

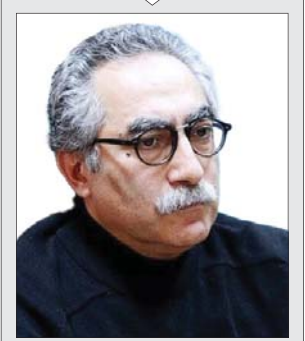


علی دهقان

این بار و در آستانه انتخابات چهاردهم در جایی ایستاده‌ام که به گمانم باید جدی و روشن از مسز تنازع برای بقای گروهی و جریانی عبور کنیم. نگاه را می‌شود کمی بالاتر برد. جایی ایستاد که قبیل از پرداختن به جزومد گروه‌های مدعی برای ریاست بر کابینه چهاردهم اصل مشارکت را حائز ارزشمندترین خصلت‌های ملی دانست. تعیین تکلیف ریاست‌جمهوری با نگاه حزبی و جناحی می‌تواند برای وضعیت امروز ما کمی تا حد زیادی ناخوشایند باشد. این را حتی نامزدهای ریاست‌جمهوری نیز در لاف‌های یکدستی‌های سیاسی خود تأیید می‌کنند. جریان‌های سیاسی در ایسران ظاهراً آن‌قدر کردار نامطلوب داشته‌اند که می‌توانند به‌سادگی و با آسودگی یکدیگر را دفع کنند و بی‌پیرایه‌نمایی از سیاهی روی یکدیگر بپزند. «جناح» در سیاست ایرانی متأسفانه نمایی غبارآلود بر خود گرفته است. این بزم نامیوم، تر و خشک را نیز با هم می‌سوزاند؛ یعنی امکان دارد تمثیلی انسانی از صداقت، بی‌ریایی، آگاهی‌های مطلوب ملی و دغدغه‌های توسعه و تخصص‌گرایی شکل بگیرد. اما چون در فهرست داده‌های جناحی نشسته است، زبانانه، کرده‌هایش را زخم کند. شاید تحلیل محتوای رفتار سیاسی در ایران این سیاه‌چرخی جریان‌های سیاسی را بپذیرد اما بازتاب آن در واقعیت و روی زمین می‌تواند یکی از بدترین پیامدهای سیاست بر مدار رفاقت باشد. یک‌تازگی برخی آدم‌های کوتاه در عرصه‌های بلند حکمرانی اجرائی در سال‌های گذشته کارنامه منتهی‌ب‌ضعیفی بر جای گذاشته است. این را فارغ از دولت این یا آن می‌گویم. متأسفانه یک آیدمی چنین عارضه‌ای را برپا ساخته است. برای همین به گمانم باید به گونه‌ای دیگر آراستگی امر مشارکت را برانداخت تا صلاحیت برخی از نامزدها برای ریاست بر کابینه چهاردهم در این ورطه نسوزد و بر زمین نماند. مشارکت معنایش می‌شود یک اجماع انسانی برای برپایی یک زندگی بهتر، زیست مطلوب نیز بی‌شک برای ساخت و ایجاد الزامات توسعه، نیازی ملی محسوب می‌شود. دولت‌ها قطعاً نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد اهداف عمومی و متنوع برای گفتمان زندگی برعهده دارند. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان می‌دهد که میان دولت‌ها و عملکرد آنها برای جبران دغدغه‌های زندگی اجتماعی و همزیستی مسالمت‌آمیز مردم با مردم، فاصله‌ای تأمل‌برانگیز وجود دارد. از این منظر نیز وجوه ارزشمند مشارکت را می‌شود واکاوی کرد. ما قطعاً باید بر پایه آگاهی از این تفاوت‌های مشارکت باشیم. زمان به دشواری ناخوشایند می‌چرخد و حرکت می‌کند. جامعه دلدادی، دل‌زدگی و دل‌هره جریانی‌های سیاسی را می‌شود وانهاد. آدم‌هایی به صف شده‌اند. قاب انفرادی آنها قابل تحلیل است و «عقل»، عقلانیت ابزاری و کارکردگرایی (به نفع منقسط عمومی)، می‌تواند بهترین محک برای تشخیص توانمندی‌های آنان باشد. این بار، کمی ساده‌اندیشی کنیم، با تکیه بر همان تشخیص عقلانی نیک از بد که در پس سال‌ها سختی‌های ریز و درشت آموخته‌ایم، آگاهی عمومی، فرایند تصمیم‌سازی‌های عقلانی و غیرعقلانی بر مبنای عقل‌اندیشی را آموخته است و رسم و راز آن را می‌داند. اجماع «ما» می‌داند که استعمار عقل برادر احیای همه‌گیر از عقلانیت خواهد بود. در سیاست و مدیریت‌های اجرائی اگر بر پایه مفهومی ساده اما عمیق با عنوان ساده «عقل‌بودن» بچرخد، می‌توان حتی به بازگشت مولد جریان‌های سیاسی نیز امید داشت. «عقل» یعنی جایی که خودبینی نیست، اما صداقت وجود دارد، ناکارآمدی نفی اما ارزش تخصص درک می‌شود، صلح، حرف دل و نزاع، از خوداندیشی و خودحق‌محوری ریشه می‌گیرد. مردم فارغ از رنگ‌های‌شان عزیز می‌شوند، عدالت با نگاه به کارکردگرایی به میان می‌آید، رد بی‌ریایی به‌وضوح دیده می‌شود، آدم‌ها در انتقاد صدایی مطلوب دارند... و بی‌شک عقل جایی خواهد بود که همچنان ادب مرد به در دولت اوست. جمع این محک‌ها به ما می‌گویند که حتی اگر جریان‌های سیاسی در نگاه‌مان مردود شده‌اند، می‌شود برای حفظ شایستگی‌ها، جایگاه مشارکت در توار توسعه، آدم‌ها را این‌گونه دید و نام‌شان را در فرایند مشارکت صدا کرد. ما همه در پرتو نگاه ازلی و ابدی دوست‌روزرگ سیری می‌کنیم و عقلی که بر دل نشیند، عقلی است که در انحصار خودبینی‌ها نمی‌گذرد...

عقل با عقل دگر دوتا شود/ نور، افزون گشت  
 وره، پیدا شود/ نفس با نفس دگر خندان شود/  
 ظلمت افزون گشت و ره، پنهان شود»  
 \* مثنوی معنوی / سر آغاز دفتر دوم

شبه ۲ تیر ۱۴۰۳
۱۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۵
۲۲ ژوئن ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۶۱
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



گفت‌وگو با فرهاد توحیدی درباره شرایط این روزهای سینمای ایران  
 سینمای اجتماعی متهم به سیاه‌نمایی است

در «شرق» امروز می‌خوانید: خط‌ونشان پوتین برای غرب: بررسی «تغییر در دکترین هسته‌ای» روسیه • قهرمانی زردپوشان اصفهانی و ترسیم چشم‌انداز آینده

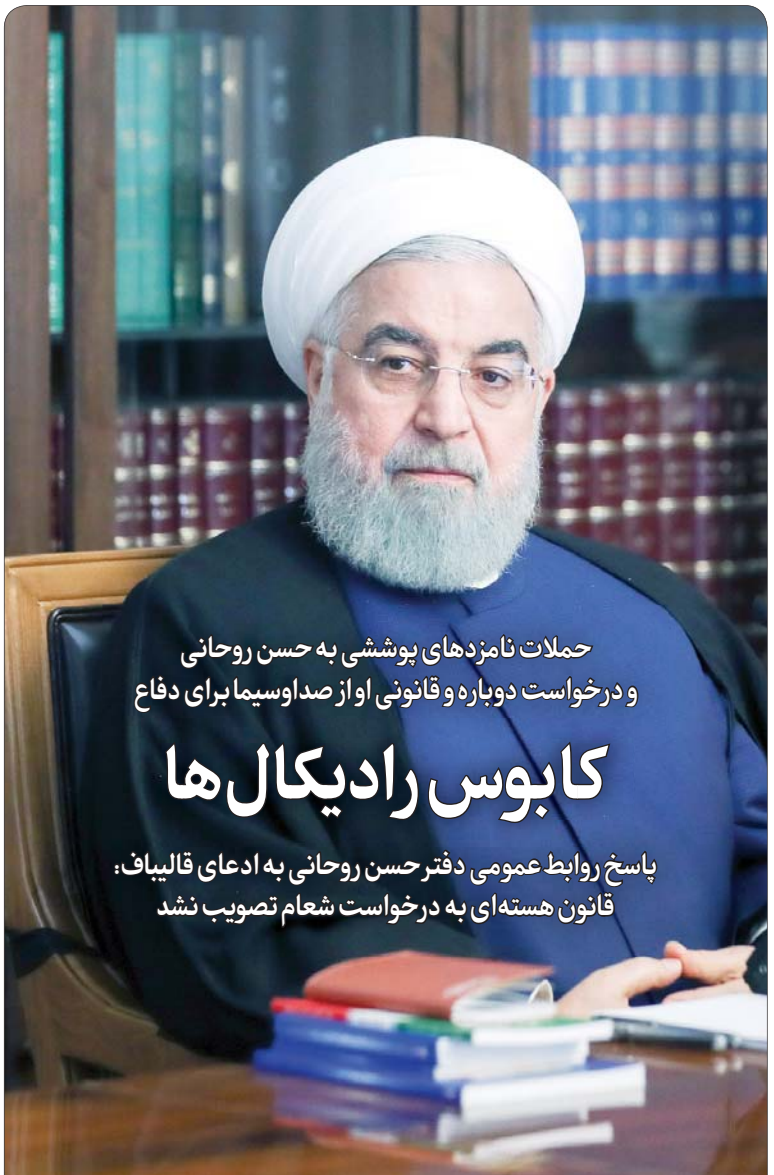
گزارشی از قول‌های عجیب برخی نامزدهای چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری بدون توجه به تبعات پول‌پاشی و واقعیت‌های اقتصادی

# وعده‌های نشدنی

نوشین محبوب: از بارانه ۴۵ هزار تومانی دولت محمود احمدی‌نژاد تا سید غذای دولت حسن روحانی و بارانه بنزین و بارانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومانی دولت ابراهیم رئیسی، مدام اعداد بارانه بزرگ و بزرگ‌تر شده و تورم چندین برابر آن رشد داشته است. دولت‌ها در مقابل بارها گفته‌اند که پرداخت ارقام سنگین بارانه موجب کسری بودجه و تورم بیشتر و قدرت خرید کمتر مردم شده است اما به طور عجیبی به سیاست پرداخت بارانه نه تنها ادامه داده‌اند بلکه مدام عدد آن را بیشتر کرده‌اند. حالا در مناظرات چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برخی کاندیداها بدون توجه به تجربیات مکرر و شکست‌آمیز پول‌پاشی دوباره وعده‌های

محمد درویش، پژوهشگر و فعال محیط‌زیستی ارزیابی کرد  
**مصرف ذخیره هزارساله آب در طول ۳ دهه**

صفحه ۶



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از جالش‌های حقوقی روزمره  
**پیگیری‌های کوچک حقوقی که به جایی نمی‌رسد**

سیاست‌های مهاجرتی آینده ایران در کلام نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳  
**آینده مهاجرت در ایران**

رومانی مسیر انتخاب نخست‌وزیر سابق هلند برای دبیرکل ناتو را هموار کرد

**«نجواگر ترامپ» جانشین «استولتبرگ»**

نگاهی به دومین مناظره انتخاباتی در گفت‌وگو با فعالان و چهره‌های سیاسی

**«منافع ملی» قربانی تسویه حساب**

سرکیچه‌های استقلال تمامی ندارد  
**جواد نکونام و بالادستی‌ها**

یادداشت

در ستایش دکتر فاضلی

آن‌هم آرزوهای بزرگ، و فقط آن نیست؛ بعد از آن هم با خود چنین کرده‌ایم. دو انقلاب کرده‌ایم و دو سلطنت واژگون کرده‌ایم. حالا بگذریم از یک نهضت ملی‌کردن نفت و چندین و چند جنبش دیگر تا امروز. و بگذریم از دو کودتا که دیگران نقشه‌اش را ریختند و حداقل آن کودتای اولی که در سال ۱۲۹۹ به دست رضا خان انجام شد، کلی روشنفکر و میهن‌دوست هم از آن حمایت کردند. ولی آخرش چه شد؟ آیا الاان و بعد از این همه، احساس رضایت داریم؟ بله، ما ملت انتظارات بزرگ و آرزوهای بزرگیم، ولی به دست‌مان نگاه کنیم، چه در کف داریم؟ انقلاب کردیم، نهضت کردیم، جنبش کردیم، کودتا هم کردند و حالا چه؟ یک نفر آمده می‌گوید من قرار نیست کارهای بزرگ بکنم، قرار نیست معجزه بکنم، «من فقط می‌خواهم آن برنامه‌هایی را که مصوب شده و کسی اجرائش نمی‌کند، اجرا کنم» و البته مردم انتظارات دیگری دارند. اما آیا برای یک بار هم که شده، به جهان واقعی بازمی‌گردیم یا مانند «خانم هاویشام» در رؤیای‌مان زندگی خواهیم کرد، حتی اگر آن رؤیا حاصلش مثل قصر خانم هاویشام به وزیرانی بگراید؟ دوستی، انیمیشن برای فرستاده که معنای یک ضرب‌المثل فارسی است یعنی که کاندیداها فرقی با هم ندارند و در پایان انیمیشن هم یک پیام تصویری دارد که در این سرزمین وقتی گل خواهد روید که هیچ‌کدام از اینها نباشند. ای کاش چنین بود ولی نیست. واقعیت مثل یک انیمیشن نیست و ما در جهان واقعیت‌ها زندگی می‌کنیم و نه در دنیای انیمیشن. و واقعیت این است که چه رای بدهیم و چه نه، یکی از همین شش نفر رئیس‌جمهور خواهد شد و از فردای انتخابات، بخشی از مقدرات ما در دست اوست. کاش می‌شد در رؤیا و جهان آرزوهای زندگی کرد ولی نمی‌شود. پس تلاش کنیم که مقدرات‌مان را از بین این شش نفر به کسی بسپاریم که دست‌کم با ما صادق باشد و وعده‌هایی به بزرگی رؤیاهای‌مان به ما نفروشد.

**سایه‌ای بود و پناهی بود و نیست  
 شانام را تکیه‌گاهی بود و نیست**  
 با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادری مهربان و همسری دلسوز شادروان حاجیه خانم فاطمه عبدالحسینی را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رساند. به یاد آن مرحومه مجلس ترحیمی روز سه‌شنبه ۱۴۰۳/۴/۵ ساعت ۱۱:۳۰ الی ۱۲ در مسجدالرضا واقع در میدان نیولوفر برگزار می‌شود.  
 حضور شما سروران گرامی در این مراسم و تلاوت آیاتی چند از کلام... مجید موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.  
**از طرف خانواده‌های سروش، عبدالحسینی گوهری، آیتی و سایر بستگان**

**برادر گرامی جناب آقای محمد سروش**  
 مصیبت درگذشت مادر گرامیتان را به شما و خانواده محترم صمیمانه تسلیت می‌گوییم، برای آن مرحومه غفران الهی و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر آرزو مندیم.  
**مهدی رحمانیان - علی دهقان**

یادداشت

## آرزوهای بزرگ خانم هاویشام

در جمع دوستان بودم و طبق معمول این ایام سخن به انتخابات کشید و هرکس از منظر خود سخنی می‌گفت و بحث گرم شده بود تا اینکه یکی از حضاران اشاره کرد که «بزرگیان فقط می‌خواهد سیستم بوروکراسی دولتی را کارآمد کند، اما این کجا و انتظارات مردم کجا؟» در آن جمع من به این سخن پاسخی دادم ولی قبل از اینکه به آن پاسخ بپردازم، بد نیست به موضوعی اشاره کنم. احتمالاً داستان «آرزوهای بزرگ» را خوانده‌اید یا شاید هم فیلمش را دیده باشید. از روی این داستان چارلز دیکنز، چند فیلم ساخته شده که تلویزیون کشور خودمان، هم پیش و هم بعد از انقلاب، نسخه ۱۹۶۶ «دوبود لین» را بارها به نمایش گذاشته است، فیلمی در ژانر درام که همان‌طور که از نام داستان معلوم است، گرداگرد آرزوهای انسان می‌گذرد و کدام انسان است که آرزویی نداشته باشد؟ اما همان‌طور که در این رمان و فیلم‌های ساخته‌شده از روی آن می‌توان دید، جهان واقعیت با دنیای رؤیاهای آرزوها متفاوت است. آن سخن ابتدای یادداشت هم همین را نشان می‌داد، اینکه دکتر بزرگیان هدفی را برای خود ترسیم کرده که اگر به ریاست‌جمهوری رسید، توان و انرژی خود و کابینه‌اش را صرف آن کند و در مقابل، آرزوها و انتظاراتی که مردم دارند، آرزوهایی که یکی دیگر از کاندیداها می‌تواند در مناظره پنجشنبه‌شب، تلاش داشت بگوید من آمم که رستم بودم پهلوان و همه آرزوهای شما را برآورده می‌کنم و همه چیز از «آدم تا طلا» همه را «رایگان» می‌کنم، همه را از دم. شاید البته سخن این کاندیدا به شوخی و مزاح شبیه باشد ولی بگذارید ببینیم آیا فقط او بوده که قصد شوخی را ما را داشته یا خود ما هم با خودمان شوخی داریم. اگر برگردیم به دوران جنگ‌های ایران و روس، شاید به یک شکلی همین نوع شوخی را بشود دید، شوخی‌ای که بهای گزافی برای آن پرداختیم و در ادامه، همچنان مشغول پرداخت هزینه فاکتورهای مختلف برای شوخی‌های مکرر خود هستیم. در ماجرای جنگ‌های ایران و روس، ما ایرانیان با توهم درباره قدرت خود جنگی را آغاز کردیم که بسیار خسارت‌بار بود و به هشارهای کسانی مانند قائم‌مقام گوش ندادیم که «ملتی که پنج کرور

**ارتباط با روزنامه شرق**  
**T.ME/ALOSHARGH**  
 WWW.SHARGHDAILY.IR

**سازمان آگهی‌های روزنامه شرق**  
**۸۶۰۳۶۱۱۹**  
 WWW.SHARGHDAILY.IR

**انتشارات شرق منتشر کرد**